

صنعت نفت در ایران

ابراهیم فیوضات

در روند ایجاد و رشد شرکت های چندملیتی، منابع سوخت و انرژی، به ویژه نفت نقش تعیین کننده ای را ایفا می نماید. کشف ذغال سنگ یکی از زمینه های رشد انرژی در نظام سرمایه داری و فراهم آورد و پیدایش نفت به پویش تکاملی آن نظام سرعت بخشید. بسرخسی صاحب نظران در امور انرژی به لحاظ تاریخی، قرن ۱۹ را عصر —————
(۱)
ذغال سنگ و قرن بیستم را دوران نفت نامیده اند. توسعه صنعت نفت از چنان اهمیتی برخوردار است که بعضی اقتصاددانان آن را پس از تقسیم بندی کلاسیک (سرمایه، کار و زمین) چهارمین عامل دانسته اند. فعل و انفعال در حوزه انرژی با گسترش صنایع دریانوردی، راه آهن، اتومبیل، هوانوردی، باررگانی کالاها و صنایع خانگی همراه بوده و روابط متقابلی را در برداشته است. یعنی وجود انرژی توسعه صنایع را باعث گردیده است و توسعه صنایع میزان تقاضای مصرف انرژی را افزایش داده است. با توجه به نقشی که این انرژی در پویش اقتصادی - سیاسی کشورهای اصلی شرکت های چندملیتی مثل ایتالیایی دارد، اهمیت شایان توجه آن آشکار می شود. در میان هفت شرکت بزرگ نفتی

(۱) BROOKS MICHAEL, OIL and FOREIGN POLICY. LONDON, 1949
PP 2-3, 15, 24, 48, 49, 60, 53, 54.

(۲) TANZER MICHEL, THE POLITICAL ECONOMY OF INTERNATIONAL OIL and UNDERDEVELOPED COUNTRIES, BOSTON, 1969 PP

(۳) TANZER m., THE ENERGY CRISIS, WORLD STRUGGLE FOR POWER, MONTHLY REVIEW PRESS, NEWYORK and LONDON, 1974

جهان ، مشهور به " هفت خواهران " ، پنج تا آمریکائی اندويزرگترين آنهاکسون است . ۴۰٪ سرمايه گذارى هاى اين کشور در ممالک توسعه نيافته در حوزه نفت تمرکز يافته و ۶۰ درصد سود آمويکادراين کشورها از طريق همين انرژى تامين مى شود . بدين ترتيب نقش صنعت نفت به عنوان ابزاري سياسى در حاکميت کشورهای صنعتى و توليدکننده و به عنوان صنعتى که نيروى محرکه اقتصاد جهانى است ، بارتاب دارد . بدين جهت مابه تجزيه و تحليل مشخصه اساسى صنعت نفت که در اشکال " دولتى شدن " و " جهانى شدن " آن است خواهيم پرداخت .

الف) نفت ، مسئله محورى دول بزرگ صنعتى

نفت توسط اوپن . ا . دريک (DRAKE) در سال ۱۲۳۸ (۱۸۵۹) در پينسيلوانياى اتازونى کشف شد . پنج سال پس از اين اکتشاف ، ج . د . را کفلر اقدام به تاسيس کمپانى نفتى " استاندارد اوپل " کرد . سپس گسترش صنايع راه آهن و نيازهاى بعدى که همزمان بار شد صنايع بود به شخص مذکور امکان داد که انحصار نفت و راه آهن را در اختيار خود بگيرد . وجود چنين انحصارى مانع رشد و توسعه ساير واحدهاى اقتصادى سرمايه دارى مى شد ، بدين سبب دولت امریکا به منظور برداشتن اين مانع از پويش سرمايه دارى آن کشور و تضمين بقاى درآمدت نظام ، در مجموع و نه در بخشى از آن مداخلات خسودرا الزام آورمى دهد . به دنبال مداخلات دولت امریکاتحت عنوان " قانون

(۴) تانزر - اقتصاد سياسى بين المللى و کشورهای توسعه نيافته په کتاب تهديد شرکت هاى چند مليتى ، ترجمه محمد سوادگر ، تهران ، انتشارات موسسه تحقيقات اقتصادى و اجتماعى پارسد چاپ اول ۱۲۵۶ و چاپ دوم ۱۲۵۹ مراجعه شود .

(۵) بروک همانجا ص ۲

ضد تراست شرم^{*} ، استاندارد اوپل به سه شرکت بزرگ نفتی
انحصار کارتل بین المللی ("استاندارد اوپل اف نیوجرسی" ،
"استاندارد اوپل اف کالیفرنیا" و "تکزاکو اوپل کمپانی")
و ۲۸ شرکت کوچک دیگر تقسیم گردید.^(۶)

این مداخلات دولت، در حقیقت نشان دهنده آن است که سرمایه
در حدی ارتکامل خود نمی تواند بدون واسطه دولت عملکردی قابل -
اطمینان داشته باشد و فائق آمدن بر بحران های ادواری نیاز به
دستگاه دولت را در چندان می کند. انواع دیگر مداخلات دولتی
به روشنی نقش تعیین کننده این دستگاه در حمایت از شرکت های
نفتی در سرزمین های بیگانه را ملموس تر می کند. تاریخ لشکر کشی
و تهاجم دو کشور بزرگ نفتی دنیا (آمریکا و انگلیس) در کشورهای دیگر
به ویژه ایران، از جانب کمپانی های بزرگ نفتی گواهی برای
ادعاست. باید خاطر نشان ساخت که این مداخلات در عین حال که
سیطره اداری و نظامی دولت را عملی می کند، سرمایه گذاری دولتی در
حوزه انرژی را نیز تقویت می نماید.^(۷) نظارت دولت بر این انرژی و نیاز
رو به تزاید کشورهای صنعتی به نفت اهمیت بین المللی به آن داده و
بحران انرژی را در صحنه جهانی پدید آورده است.

ب (جهانی شدن صنعت نفت

در مراحل اولیه پیدایش انرژی، صنعت نفت ناشناخته مانده و

* قانون ضد تراست در سال ۱۸۹۰ به تصویب کنگره آمریکا رسید.

DURAND D. LA POLITIQUE PETROLIERE INTERNATIONALE
ED - QUE SAIS - JE, 1962 P.125.

(۶) موحد - محمد علی - نفت ما و مساله حقوقی، تهران، خوارزمی ۱۳۴۹
(۷) بروک همانجا صفحات ۲ و ۳

پایه گذار ویابنده آن " دریک " دروضع بدی به پایان حیاتش رسیده. اماقرن ۱۹ بارشدهصنایع فولاد، کشتی و راه آهن که زغال سنگ بزرگترین منبع انرژی آن بوده است به پایان می رسد. عصر اتومبیل که منبع آن انرژی نفت است تولد می یابد. صنعت اتومبیل به سرعت جهانگیر می شود و وسیع ترین بازار راچه در کشورهای صنعتی پیشرفته وچه در کشورهای درحال رشد به وجودمی آورد. شبکه زنجیره ای صنایعی که به نحوی به اتومبیل وابسته اند از قبیل ماشین ها و وسایل راه سازی، صنایع ذوب فلزات، فولاد، چدن، پلاستیک و به ویژه پالایشگاه نفت نشان دهنده اهمیت این انرژی است.

تغییر انرژی زغال سنگ به نفت، تحولی مهم درجهان صنعتی به وجود می آورد و باعث دگرگونی فوق العاده ای در اقتصاد این کشورها، بویژه در فاصله دو جنگ جهانی می شود. وامکانات وسیعی به این کشورها می دهد تا در سایه آن بتوانند در دورترین نقاط جهان از طریق بهره کشی از کشورهای تولیدکننده انرژی به انباشت وسیع سرمایه نایل شوند.

باتوجه به کاربرد تکنولوژی پیشرفته و سرمایه بر بودن صنعت نفت گسترش روزافزون آن نمایانگر اهمیت این رشته صنعت است که دسترسی بدان به سادگی امکان پذیر نیست. پیچیدگی کار، وجود ریسک در اکتشاف و بهره برداری، نیاز به تخصص فوق العاده، سرمایه بر بودن آن و رقابت شدید کمپانی های بزرگ نفتی باعث شده که سرمایه های خصوصی کوچک کمتر بدان بپردازند. بانگاهی گذرا آشکار می شود که تنها گروه هایی قادرند به سرمایه گذاری در این حوزه بپردازند که به نحوی با گروه های بانکی و صنعتی و به ویژه مراکز مالی جهانی پیوند داشته باشند. پیچیدگی صنعت نفت به طبیعت مرحله ای که این

صنعت طی می کند یعنی اکتشاف ، بهره برداری، تصفیه، حمل و نقل و توزیع مربوط می گردد. وجود این مراحل و اهمیت سرمایه گذاری های گسترده، رقابت شدید میان کمپانی های بزرگ سبب تمرکز و ایجاد انحصارات نفتی و جهانی شدن آن گردیده است. رشد و افزون خطوط هوایی، دریایی و زمینی نیاز به نفت راحیاتی ساخته و اثرات مستقیم و غیرمستقیم بر سایر تولیدات مواد اولیه در کلیه جوامع داشته است.

مکانیسم پیچیده نفت

نفت کالای ویژه ایست که در واقع به علت برخورداری از ظرفیت خاص در صنایع گوناگون، کشاورزی و بازرگانی مورد استعمال دارد. کلیه جنبه های اقتصاد جدید به این انرژی نیازمند است. تصفیه در استعمال، در جریان تصفیه تحقق می گیرد. تولید پیچیده و تصفیه، امکان تشدید تمرکز این صنعت را فراهم می کند. به سبب این تمرکز است که ۷۰ درصد تولید و ۵۰ درصد تصفیه نفت جهان به طریق متاثر از ۷ شرکت بزرگ نفتی است. (۸)

بروک محقق انگلیسی می نویسد که ۸۵ درصد کلیه ظرفیت تصفیه نفت، در ۲۰ شرکت نفتی متمرکز شده است. سهم ایالات متحده به قدری با اهمیت است که می توان گفت نزدیک به ۶۰ درصد ظرفیت تصفیه جهانی در آن کشور متمرکز یافته و اگر نظارت این کشور بر سایرین را

(۸) ROBERTS DICK, MIDEST OIL and US IMPERIALISM, PATHFINDER - PRESS, 1971 P.5

همچنین تهدید شرکت های چند ملیتی ترجمه سوداگر: این شرکتها (۷ خواهران) در همه مراحل صنعت نفت اکتشاف، تولید نفت خام و حمل و نقل با تانکرهای نفتی گرفته تا تصفیه و بازاریابی، شرکت دارند. هم بی بی و هم شل (انگلیسی - هلندی) دارای شبکه وسیعی از پالایشگاه ها و توزیع و همچنین کارخانه های شیمیایی در بریتانیا هستند. (ص ۲۶ و ۲۵)

در نظر بگیریم رقم آن به ۷۰ درصد افزایش می یابد. با وجود تمرکز
شدید و انحصاری بودن نفت، درگیری میان کمپانی های نفتی هرگز قطع
نگردیده است.

رقابت ها و برخوردها

تاریخ شرکت های نفتی مملو از کشمکش ها و نبردهای وحشیانه ای
است که در جهت غلبه یکی بر دیگری ادامه داشته است. توجه و علاقه
وافر دولت ها به نظارت و در اختیار داشتن امور مربوط به نفت در
مقایسه با سایر صنایع به خاطر سودهای کلان و در زمینه مسائل
استراتژیکی است. با توجه به این گونه مداخلات دولتی است که
صاحبان این صنعت امکان می یابند در سیاست نقشی ظریف و مهم
بازی نمایند. دیپلماسی نفت، از نظر تاریخی، روند مشخصی نداشته
بلکه راهی مملو از حيله گری و نبردی متضاد را طی کرده است.
درگیری میان بزرگترین شرکت نفتی جهان (استاندارد اویل
(۱۰))
نیوجرسی) و دومین کمپانی جهان شل (انگلیسی و هلندی) نمایش یک
رقابت خصمانه میان انحصارات نفتی بوده است. وجود تضاد در سایر
بخش های تولیدی حاکی از آنست که نظام سرمایه داری در یک سلسله
درگیری ها که از رشدی ناموزون سرچشمه می گیرد، می تواند به
حیات خویش ادامه دهد و تکامل یابد. تضاد پیچیده ای که در صنعت
نفت و در میان صاحبان نفت وجود دارد، در سطح دولت ها و ساخت سیاسی
و اقتصادی کشورهای پادشده بی تاثیر نیست. رقابت بین آنها در تقسیم -
بندی مناطق نفوذ با رتاب دارد. در این خصوص، گلدوف محقق اقتصادی

(۹) بروک همانجا صفحات ۲۴ و ۱۵
(۱۰) بروک همانجا

آمریکا آماری در زمینه تناسب قوایین رقبای بزرگ نفتی درخاور
میانه به دست می دهد: در سال ۱۳۱۹ (۱۹۴۰) بریتانیای کبیر کنترل
حدود ۷۲ درصد منابع نفتی خاورمیانه و اتازونی ۲۸ درصد را در اختیار
دارد. در سال ۱۳۴۶ (۱۹۶۷) یعنی ۲۷ سال بعد، سهم انگلستان به ۲۹ درصد
کاهش یافته در صورتی که سهم آمریکا در همان سال به ۵۸/۶ درصد
افزایش یافته است. این فعل و انفعال شاهد برهم خوردن تناسب قوا
به نفع سلطه دومی بر اولی در منطقه نفتی خاورمیانه است.

نفت و تناسب قوا

در زمینه امور مربوط به نفت، عوامل گوناگونی دخالت دارند .
مطالعه این عوامل در یک کشور بدون در نظر گرفتن نیروهای عامه
در تولید، همه جانبه نخواهد بود. در همین زمینه تانزر متخصص در صنعت
نفت اقدام به معرفی شش عامل نیرومند می کند که در حوزه عملیات
نفتی نقش موثری دارد.

الف) شرکت های بین المللی نفت،

ب) دولت هائی که این شرکت ها به آنها وابسته اند،

ج) سازمان های بین المللی،

د) کشورهای وابسته صادرکننده نفت،

ه) کشورهای وابسته واردکننده نفت،

(۱۲)

و) اتحاد شوروی.

برای این که در مورد ایران به مطالعه بپردازیم، در مجموع لازم

(۱۱) MAGDOFF H. AGE OF IMPERIALISM, ED. MONTHLY - REVIEW,
ETATS UNIS 1969 PP 279 - 280.

(۱۲) تانزر اقتصاد سیاسی بین المللی و کشورهای توسعه نیافته همانجا
ص ۲۰

می بینیم به ترتیب بر سه عامل که در فعالیت های نفتی ذینفع هستند تکیه کنم. این عوامل گرچه به شکل واحدهائی مجزا و مستقل از هم عمل می کنند، اما این عملکرد انسجام یافته و واحد برخوردارند. با توجه به بحث مذکور لازم است به اختصار در مورد کارتل های بین المللی نفت و دولت های اداره کننده این شرکت ها، خصوصا " اتادونی به بحث بپردازیم. بدین ترتیب، در این مطالعه ماصرفا" به نفوذا ایالات متحده در امور نفتی ایران توجه می کنیم و بحث در مورد کمپانی های انگلیسی که بارها بارها عنوان شده در جای دیگر خواهیم آورد.

نفوذ ایالات متحده و کارتل های نفتی:

ایالات متحده سرزمینی است که صنعت نفت آن در سال ۱۲۳۸ (۱۸۵۹) به وجود می آید و به علاوه پایگاه پنج شرکت ادبزرگترین شرکت های هفتگانه نفتی جهان است. با توجه به کارتل های بزرگ آمریکائی سیاست آن کشور منفع از استراتژی این شرکت ها و بالعکس خواهد بود. فعالیت نفتی آمریکا در ایران بیشتر به سال های پس از ۱۲۳۲ مربوط می شود. از این به بعد کنسرسیوم نفت شامل شرکت های نفتی انگلیس - آمریکا - هلند و فرانسه در ایران مستقر می شود. در طول دوران گذشته شرکت نفت انگلیس مانعی بر سر راه تلاش شرکت های آمریکائی در منطقه بود.

بروک می نویسد در دوره ای که مستشاران آلمانی در دستگاه اداری ایران تصفیه و بپارندانی شدند، آمریکائیان کوشیدند جای خالی آنها را پر کنند. در میان آنان آقای میلپو و همکارانش به نوعی حضور داشتند (۱۳) تا اینکه شرکت های آمریکائی موفق شدند جایی در ایران کسب نمایند

در سال های ۶ - ۱۳۰۱ میل سپور هبری يك هيئت مالی ایرانی را برعهده
داست. باتوجه به موقعیت او در ایالات متحده در مقام پست وزارت داخلی
و در ارتباط نزدیک با شرکت های نفتی، می توان نقش او را در امور سیاسی
ایران به درستی ارزیابی کرد.

آقای هربرت مور و کرتیس از آمریکامورد مشاوره مقامات
ایرانی قرار گرفتند و آنان در حضور ساعدنخست وزیر وقت پیشنهاد
مذاکره با شرکت های نفتی آمریکائی و رد کردن تقاضای شوروی را
(۱۴)
نمودند.

بروك می نویسد: " در پایان سال ۱۳۰۱ (۱۹۲۱)، مجلس ایران با
تصویب قراردادی حق گسترش تولید نفت شمال ایران را به شرکت
آمریکائی " استاندارد اوپل کمیانی " داد. در آن زمان این قرارداد بوسیله
شرکت نفت انگلیس - ایران مورد اعتراض قرار گرفت و به تصویب
نرسید. دو سال بعد، قرارداد امتیاز به شرکت نفتی دیگر آمریکائی
" سینکالر " در سال ۱۳۰۲ در مقابل ۲ درصد " رویالتی " و حدوداً امیلیون
(۱۵)
دلار واگذار گردید. این امتیاز بدنبال دستگیری مدیر شرکت متوقف شد.
بدین ترتیب شرکت های آمریکائی تا سال ۱۳۳۲ عملاً " موفقیتی بدست
نیاوردند.

مشخصات کارتل نفتی بین المللی

سرمایه گذاری های گسترده در حوزه انرژی، کارتل نفتی را در -
مقابل باخطرات احتمالی از ویژگی هائی برخوردار کرده است. این -
ویژگی کمتر در چند ملیتی های دیگر چشم می خورد. از مشخصات مهم کارتل

(۱۴) بروك همانجا ص ۴۸

(۱۵) بروك همانجا ص ۶۰

بهین المللی قابلیت یکپارچگی آنست. این یکپارچگی در دو جهت عمودی و افقی حرکت می کند. یکپارچگی افقی از ظرفیت فعالیت شرکت در مراحل اکتشاف، تولید، حمل و نقل، تصفیه و توزیع در مقیاس وسیع تبلور می یابد. بدین ترتیب فعالیت های اکتشاف و تولید در یک نقطه جهان متمرکز نمی شود، زیرا تمرکز در یک منطقه کارتلی نفتی را در مقابل بحران آماده نگه نمی دارد و به آن امکان مانور نمی دهد.

وقایعی چون " ملی کردن نفت " یا مسئله کانال سوئز و موارد مشابه باعث شد که شرکت ها به منظور استفاده ارادغام افقی خاصه در مراحل اکتشاف و تولید تجربیاتی بدست آورند.

تلاش شرکت های نفتی برای یافتن منابع نفتی گوناگون از نقطه - نظر جغرافیائی و سیاسی تلاش می کنند. آنها در تلاش یافتن این منابع در دورترین نقطه متروک جهان : در دریاها، در کویرها و حتی زیر یخ های قطبی که سرمایه گذاری های فراوانی را طلب می کند، هستند تلاش این شرکت ها بر این است که عمل پیچیده تصفیه در پالایشگاه خود انجام پذیرد، و مواد تولیدی پالایش شده راحتی در سطح فروشندگان جز خود توزیع نمایند.

بنابراین اظهارات متخصصین ۸۵ درصد محصولات نفتی، خارج از اتارونی و بلوک کمونیست مصرف می شود، یعنی دورتر از مراکز تولید که خود حاکی از اهمیت این نوع استخراج است. (۱۷)

سازمان های بهین المللی و نفت

سازمان های بهین المللی نقش مهمی در رابطه با کمپانی های نفتی بازی می کنند. تانزر پاره ای از این سازمان ها را بشرح زیر می آید

(۱۶) موحد همانجا صفحات ۹۶ - ۹۴

(۱۷) موحد همانجا

می شود: " بانک جهانی، صندوق بین المللی پول، و سازمان ملل. صندوق بین المللی پول در اصل به منظور استقرار سیستم اقتصاد بین المللی به مثابه بانک مرکزی دولت های عضو به خدمت گرفته می شود. این صندوق به عنوان یک منبع حیاتی و پشتوانه کشورهای مزبور در لحظات خطر و ورشکستگی به کار گرفته می شود. به طور کلی، صندوق بین المللی پول سرمایه گذاری هاس عمومی در حوزه نفتی را تجویز نمی کند.

(۱۸)

سیاست آمریکاپس از جنگ جهانی دوم بر اساس گسترش هر چه بیشتر بازار، رشد اقتصادی، سرمایه گذاری در مساله ارضی در مقابل با کاهش نرخ سود جهت یابی شده است. با توجه به این خط مشی، سرمایه گذاری های مستقیم به تدریج جای سرمایه گذاری از راه خرید سهام و یا اوراق بهادار را می گیرد. این نوع سرمایه گذاری بیشتر از طریق شرکت های چند ملیتی رواج پیدا می کند. سرمایه گذاری مستقیم** در دوره ای معین از تاریخ در کشورهای توسعه نیافته (ایران) از اهمیت ویژه ای در نظر سودآوری برخوردار می شود.

سیاست کارتل نفتی بر اساس رشد سرمایه گذاری در حوزه های مختلف، معادن، انرژی و اخیراً "پتروشیمی" (سال های ۱۳۵۰) طرح ریزی شده است. بزرگترین تولید صنعتی در ایران امروز، از لحاظ سرمایه - گذاری در واقع پتروشیمی است. تمایل حاکم در سیاست نفتی، افزایش ظرفیت تولیدی نفت خام، و گسترش بازار است. در این هدف، کارتل

(۱۸) تانزر، بحران انرژی ... همانجا صفحات ۲۷ و ۲۶

** سرمایه گذاری ابتدا به صورت پورت فولیو PORTFOLIO INVESTMENT (یعنی خرید سهام یا اوراق بهادار) انجام می شود. بعدها شرکت مستقیماً با ایجاد کارخانه ها در سایر کشورهای خرید شرکت های خارجی سرمایه گذاری می کنند این نوع سرمایه گذاری را سرمایه گذاری مستقیم نامند (کتاب تهدید شرکت های چند ملیتی ترجمه محمد سوداگر ص ۳۹)

نفتی با استفاده از کلیه وسایل، بویژه دستگاه دولتی کوشش می کند ،
(۱۹)
مشکلات میان خودباکشورهای دیگر راحل نماید .

تانزر می نویسد: " شرکت های بین المللی نفت، با استفاده از
دستگاه دولتی و نفوذ سازمان های جهانی چون صندوق بین المللی پول
و بانک جهانی مانع از این می شوند که دولت های کشورهای واردکننده
نفت سرمایه عمومی را در استخراج، پالایش و تصفیه مواد نفتی در داخل
کشور بکار گیرند. کارتل های نفتی با هزینه سرسام آور به تحقیق درباره
رشد و استفاده منابع معدنی می پردازند. هر یک از شرکت های با شعبات
خود کنترل قسمتی از جهان را بر عهده دارند.
(۲۰)

باتوجه به چنین نمونه هائی کوشش می شود، نقش بانک جهانی
در ارتباط با استراتژی کارتل نفتی و سیاست آمریکابه اختصار مورد
بررسی قرار گیرد.

بانک جهانی در کل، تمام وسایل لازم را تدارک دیده و در اختیار
کارتل قرار می دهد. هدف بانک از یک طرف متضمن تقسیم کار در حوزه
نفتی است و بدین طریق مسائل مربوط به نفت را به کارتل واگذار
می کند و از طرف دیگر سیاست کارتل را با استراتژی رشد دولت ایالات
متحده هماهنگ می سازد. در این سیاست رشد، بانک جهانی از نقطه
نظرهای گوناگون اقتصادی و سیاسی در کشورهای توسعه نیافته
بهره گیری می کند.

بانک جهانی به مطالعه دقیق منابع مادی این کشورها می پردازد
و نتیجه تحقیقات را در اختیار شرکت های بزرگ چند ملیتی قرار می دهد.
تانزرمی نویسد: " سازمان های بزرگ بین المللی، نظیر بانک جهانی
و صندوق بین المللی پول زیر نظر کشورهای رشد یافته صنعتی اداره میشوند

(۱۹) تانزر، همانجا ۲۷ و ۲۶

(۲۰) تانزر همانجا

این سازمان هانقش بزرگی رادریوش به اصطلاح رشد کشورهای توسعه نیافته (پابه گفته فرانك تكامل توسعه نیافتگی) از طریق سرمایه -
(۲۱)
گذاری های خارجی باری می کنند.

استراتژی بانك جهانی چنان تدوین شده، كه هیچ گونه سرمایه -
گذاری در حوزه نفتی رانمی پذیرد، و به دولت هائی كه در حال كشمكش
بسیاست آمریکاهستند، كوچك ترین كمکی روانمی دارد. علاوه بر این
بنابه گفته تانزرنهادهائی كه كمك خارجی رادراختیاردا رند، بـــ
دولت های استفاده كننده اخطارمی دهند كه حق استفاده وام در زمینه
اكتشاف نفت ویاتاسیس پالایشگاه های نفتی راندارند. به این بهانه
كه شركت های بین المللی نفت منابع وسیعی از سرمایه وتجربه لازم
دارند و به سادگی در اختیار این كشورها قرارمی دهند. هدف واقعی
این نهادها از كمك به کشورهای خارجی تشريك مساعی باشركت های
چندملیتی در زمینه سرمایه گذاری های سودآور است. تانزرمی نویسد:
" هدف اساسی بانك جهانی گسترش سرمایه گذاری های بین المللی
و افزایش باررگانی وتهییه وتدارك وام جهت پروژه های گوناگون
سرمایه اجتماعی در کشورهای توسعه نیافته است. بانك مزبور تمایلی
ندارد به کشورهای كه علاقمند به سرمایه گذاری در حوزه های نفتی اند
وام بدهد.

باتوجه به تحلیل فوق به این نتیجه می رسیم كه گرچه بانك جهانی
كارتل بین المللی نفت و دولت آمریکادر ظاهر نهادها وسازمان های جدا
از هم هستند، ولی در واقع از عملكرد ارگانیک و واحدی برخوردارند،
و فعالیت آنها در حوزه های متفاوت تجلی می یابد و هدف آنها در رشد بیشتر

(۲۱) تانزرنهران انرژی... ص ۶۰
(۲۲) تانزرنهران انرژی صفحات ۱۰۹ و ۱۰۸

و سود بیشتر خلاصه می شود.

سرمایه گذاری و سودآوری صنعت نفت

سرمایه گذاری در جهت کسب سود، يك اصل غيرقابل اجتناب در نظام سرمایه داری است. اما سرمایه گذاری در حوزه نفتی از بهره‌وری سرشاری برخوردار است. تالکونوف محقق شوروی می نویسد: " انحصارات نفتی در سال ۱۳۵۱ سودی معادل بادو برابر سود صاحبان اتومبیل و ۷ برابر سود انحصارات ذوب فلز کسب کرده اند. نویسنده با استفاده از مجله آمریکائی تایمز رقم سود حاصله انحصارات نفتی را در نه ماه سال ۱۳۵۲، ۴۶ درصد بیش از همین رقم در سال ۱۳۵۱ ارزیابی می کند بنابه نوشته بولتن بانک چیس مانهاتان در پایان سال ۱۳۵۲ سود خالص اردرآمد ۳۰ شرکت بزرگ نفتی آمریکائی در آخر سال معادل بایک دهم سود حاصله از کلیه شرکت های آمریکائی بوده است.

کارتل های نفتی تمام نیروهای خود را در خاورمیانه به علت افزایش سود دهی متمرکز ساخته اند. ارقام زیر اختلاف هزینه ها را در کشورهای مختلف ترسیم می نماید:

عراق	۶۷ دلار در بشکه
لیبی	" " ۱۴۹
عربستان سعودی	" " ۱۶۰
ونزوئلا	" " ۸۶۳

در مقابل

(۲۴) ایالات متحده ۳۱۵۵ دلار در بشکه

(۲۳) TALKOUNOV L., PROCHE - ORIENT - DES HOSTILITES AUX NEGOCIATIONS, L'AGANCE DE PRESSE, NOVOSTI MOSCOU 1974 PP. 50 - 51

(۲۴) تالکونوف همانجا ص ۴۹

بر اساس اظهارات تالکونف " بهره برداری از نفت به طور نسبی ، هزینه های زیادی را شامل نمی شود. یک دلار سرمایه گذاری شرکت های نفتی آمریکائی معادل با ۹ برابر سرمایه گذاری در سایر بخش های (۲۵) اقتصادی خارج آمریکاست .

به اعتقاد تانزر : " سود حاصله از شرکت های بین المللی نفت در کشورهای صادر کننده نفت به قدری مهم است که در اکثر موارد سود حاصله این شرکت ها بیش از سرمایه گذاری آنها در این کشورهاست . " تانزر ادامه می دهد : " شرکت های نفتی خارجی از ایران به منزله کشور صادر کننده نفت در طی دوره ۱۲۴۲ - ۱۲۳۴ نرخ سودی معادل ۷۰ درصد (۲۶) سرمایه گذاری هایشان به دست آورده اند . "

قرارداد و معاهدات نفتی با ایران در رابطه با سایر کشورهای ارامتیارات وسیعی برخوردار بوده است . اوکرنر کارشناس صنعت نفت می نویسد : " قبل از ملی کردن نفت ایران حکومت ایران از شرکت نفت ایران وانگلیس قیمتی معادل ۱۸ سنت در هر بشکه دریافت می کرد ، در حالیکه در همان زمان بحرین قیمت هر بشکه را ۲۴۱ سنت و عربستان - سعودی قیمت هر بشکه را ۵۸۱ سنت و عراق ۶۰ سنت دریافت کرده است . " (۲۷) احتمالاً " نفت ایران در جهان آن روز نازل ترین قیمت را رداشته است . این جریان بمنزله سودبیکران برای شرکت نفت و بهره کشی ظالمانه نیروی انسانی در این کشور بوده است .

بروک می نویسد : " طی سال های ۲۲ - ۱۲۱۷ سود ناخالص شرکت نفت ایران وانگلیس معادل ۵۸ میلیون لیره استرلینگ و سود خالص آن

(۲۵) تالکونف همانجا ص ۴۹
(۲۶) تانزر بحران انرژی همانجا صفحات ۵۹ - ۵۸
(۲۷) CORNER H., WORLD CRISIS IN OIL, NEW YORK MONTHLY
REVIEW PRESS, 1962

معادل ۳۴ میلیون لیبره استرلینگ و بهره حاصل در سال های ۱۳۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴ و ۱۳۲۴ بانرخ ۲۰ درصد بوده است. (۲۸)

این سودآوری اهمیت استراتژیکی خاورمیانه، به ویژه ایران را، برای گروه های مالی بین المللی و در راس آنها کارتل نفتی روشن می کند. بنابه گفته تانزر: " دو کارشناس امور نفتی، سرمایه گذاری شرکت های نفتی در خاورمیانه را در طول دوران ۱۳۳۹ - ۱۳۷۹ ارزیابی و احتساب کرده اند. بنابه محاسبه آنان در این مدت سرمایه گذاری مجدد جهت گسترش صنعت نفت در این ناحیه حدود ۱/۷ میلیارد دلار و درآمد خالص بدست آمده، مبلغ ۱۴/۶ میلیارد دلار بوده است." (۲۹) باتوجه به چنین سود سرشاری است که کارتل نفتی پیوند نزدیکی با ارکان های تسلیحاتی برقرار نموده است.

نفت و مهلتاریزه کردن اقتصاد

رشد دستگاه مهلتاریزستی در نظام سرمایه داری اجتناب ناپذیر است. وسعت روز افزون این دستگاه بدون شك با اکتشاف و توسعه نفت بی ارتباط نیست. نقش و سلطه نامحدود بزرگترین شرکت های نفتی جهان عضو کارتل نفت اتارونی و نفوذ آنها در امر تجهیزات نظامی و اقتصادی این کشور آشکار است. در طول هر بحران بزرگ تاریخی در کشور مذکور سرمایه گذاری در حوزه تسلیحات، بسسه اقتصاد آمریکا امکان شگوفائی و خروج از بحران را داده است.

بنابه گفته دیک رابرت: نفت يك مسئله قطعی و حیاتی برای فعالیت های تسلیحاتی است. در ژوئیه سال ۱۹۴۴، پارلمان انگلیس

(۲۸) بروك همانجا ص ۴۸
(۲۹) تانزر بحران انرژی ... همانجا ص ۵۸

تحت تاثیر سخنان چرچیل به عنوان فرمانده نیروی دریایی قرار گرفت .
چرچیل اصرار می ورزید که شرکت نفت (APOC) ایران می بایست
خریداری شود و در اختیار انگلستان قرار گیرد . نامبرده به تصاحب و
دربدو ا مربه نظارت بر قسمتی از منابع نفتی که مورد نیاز انگلستان
(۳۰)
است نظر داشت . بدین ترتیب ، بریتانیای کبیر به منظور دسترس
و نظارت بر منابع نفتی مورد نیاز ماشین جنگی خود به اشغال ایران
در طول جنگ دوم جهانی اقدام کرد .

مجله بازرگانی آمریکا ، ارتباط نفت با ارگان های جنگی را این
گونه اعلام می کند :

خاور میانه نفت لازم برای نیروهای نظامی آمریکا در جنوب آسیا
راتامین می کند .
(۳۱)

بطور کلی کشورهای صادر کننده نفت و به ویژه خاور میانه (ایران
به عنوان نمونه بارز) مورد توجه استراتژیکی اقتصاد امپریالیسم است .
این نقش استراتژیکی امکان رشد امور تسلیحاتی و برنامه ریزی دقیقی
در این زمینه فراهم کرده است . بدین ترتیب کارتل نفت نمی تواند
روش بی تفاوتی را دنبال نماید .

بنابه نوشته لوموند دیپلماتیک در مارس ۱۹۷۶ " در همسایگی
قاره ها ، واشینگتن ، از ایران ، عربستان سعودی ، امارات خلیج فارس
اتیوپی ، ماداگاسکار گرفته تا راس جنوب افریقا در جستجوی کنترل نظامی
است . " وزارت خارجه ، پنتاگون و انحصارات نفتی در تدارک این
" شاهراه بزرگ نفتی " اشتراك مساعی می نمایند . آنها مطمئن هستند که

***ANGLO PERSIAN OIL COMPANY

(۳۰) دیک رابرت همانجا ص ۵

(۳۱) دیک رابرت همانجا ص ۵

(۲۲)

شریان نفت از مهمترین " مراکز اقتصاد آمریکا " خواهد بود. لوموند
ادامه می دهد: " امروزه تکنسین های آمریکائی بر ای کنترل حقیقی
قدرت در ترمینات نیروهای مسلح شرکت موثر دارند. به منظور تضمین
و دست یابی ایالات متحده به نفت شرق نزدیک و حفظ برتری در منطقه
دستگاه اداری نیکسون و فورد در تقاسیمات قدرتمند تسلیحات آمریکائی
در نواحی مدیترانه، اقیانوس هند و خلیج فارس شرکت نموده و در تجهیز
سریع دولت های بومی به سلاح اقدام کرده اند. "

(۲۳)

نفت و امپریالیسم

اواخر قرن ۱۹ میلادی با توسعه و تکامل بازار جهانی سرمایه داری -
برخی از کشورهای صنعتی موفق به تنظیم یک رشته قراردادهای استعماری
با دولت ایران می شوند. مشخص ترین این قراردادها، معاهده ژولیوس
رویتر انگلیسی است که برای یک دوره صدساله بهره برداری از کلیه
معادن ... جنگل ها، زمین های لم یزرع، انحصار تاسیس راه آهن،
انحصار کارهای عمومی و همچنین آبیاری و انحصار امور بانکی را شامل
(۲۴)
می شود. این قرارداد بزرگترین معاهده استعماری است که در تاریخ
ایران سابقه دارد. معاهده رویتر ادامه پیدانمی کند، ولی جای خود را به
تاسیس بانک شاهی و بعداً به قراردادهای نفتی می دهد. این دو واحد
(بانک و نفت) در شکل گیری صنعت مدرن ایران تأثیر به سزائی
دارند. صنعت نفت با قرارداد داری موجودیت پیدامی کند و با بهره -
برداری اولین بخش آن به ظرفیت ۴۳ میلیون تن، در سال ۱۲۹۱ وارد

(۲۲) KLARE M.T., LE MOINE DIPLOMATIQUE, MARS 1976, DEFENSE
DES INTERETS PETROLIERS

(۲۳) کلر - همانجا

(۲۴) پاکدامن رساله دکترای دولتی، پاریس ص ۱۸۵

بازار جهانی می شود. از این پس تولید و بهره برداری نفت افزایش می یابد. اما سهم آن در توسعه اقتصادی - اجتماعی مردم ایران ناچیز می ماند. بهره برداری از صنعت نفت منجر به پیدایش یکی از بزرگترین شرکت های نفتی جهان (APOC که به AIOC و بعدا BP) (۳۶) برتیش پترولیوم می شود.

با وجود گذشت نیم قرن از پیدایش صنعت نفت تا زمان ملی شدن تنهاتاثیر ناچیزی بر اقتصاد ایران می گذارد و در مقابل اقتصاد انگلستان شکوفایی می گیرد و نیروی دریائی آن کشور با استفاده از این انرژی به صورت قدرتمندترین نیروی دریائی جهان درمی آید.

داری منعقدکننده قرارداد نفت، در مورد بهره برداری آن مواجه با مشکلات مالی می شود. دولت انگلیس (خاصه چرچیل)، به منظور عقب راندن شرکت های نفتی آمریکائی مستقیماً وارد صحنه می شود. تلاش انگلستان در تقسیم سهام (۵۱ درصد امور نفتی به انحصار این بخش)، مویب تسلط وی در منطقه است.

در اواخر قرن ۱۹، نفوذ سرمایه انگلیس در ایران از طریق بانک شاهی تحقق می یابد. با ورود نفت به حوزه اقتصاد ایران سیادت سرمایه شکل اطمینان بخشی پیدامی کند. به منظور ثبات حاکمیت سیاسی و محدود کردن کشمکش های قومی و قبیله ای دستگه سرکوب فعالتر می شود. تاریخ نفت ملو ارتهدیدات نظامی است. اگرچه این تهدیدات بالفعل نشده ولی امکان مداخلات نظامی در این ناحیه همیشه وجود داشته است. وجود فضای اختناق، از طریق تهدید مداخلات نظامی، همراه است با مانور هادر بین ایلات و عشایر و ایجاد تفرقه یکی علیه دیگری

مورد عمل قرار می گیرد. اما این استراتژی هم زمان با پایان سلسله قاجاریه و به ویژه با افول تزارسیم در منطقه به کلی دگرگون شده و به تقویت دولت مرکزی و نیروی مسلح آن می پردازد. این تحولات منجر به دگرگونی هائی در ساخت دولت می شود. پایه های ایلی آن روبه ضعف می نهد و ریشه های وابستگی به سرمایه های بیگانه تقویت می گردد. این دگرگونی در ساخت دولت نیازمند به تحقیق عمیق تری است که جداگانه به آن پرداخته شده است ●

دنیاله در شماره ۶ بعد



آگهی

فوق لیسانس اقتصاد و بازرگانی از ایتالیا ، با تجربه حسابداری قبل از اتمام تحصیلات عالی مایل به همکاری در امور حسابرسی میباشد . علاقمندان با دبیرخانه انجمن تماس حاصل نمایند .